

بررسی تعاریف بنگاه‌های کوچک و متوسط (SME) و اهمیت این بنگاه‌ها در اقتصاد کشور

مهتاب ایرانفر

رییس گروه آمارگیری‌های صنعت، خدمات و بازرگانی

دفتر روش‌شناسی آماری و طرح‌های نمونه‌گیری مرکز آمار ایران

واژگان کلیدی: بنگاه‌های کوچک و متوسط (SME)، تعریف استاندارد، توسعه صنعتی و اقتصادی

چکیده

با توجه به اهمیت توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط در برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری کشورهای در حال توسعه و صنعتی، روی آوردن به کوچک سازی صنایع و اتکا به توسعه و گسترش صنایع کوچک و متوسط به عنوان موتور توسعه صنعتی و اقتصادی، رویکرد مهمی است. در این مقاله تعاریف بنگاه‌های کوچک و متوسط تشریح و مقایسه شده و به اهمیت وجود تعریف مشترک و یکسان برای این بنگاه‌ها و نقش آن‌ها در دستیابی به توسعه صنعتی و رشد اقتصادی در کشور تأکید شده است. مرکز آمار ایران به عنوان نهاد رسمی مسئول انتشار آمارهای رسمی و ارائه تعاریف استاندارد در کشور می‌تواند گام اصلی و مؤثری در این زمینه بردارد.

۱ مقدمه

ادعای "SMEها ستون فقرات اقتصاد هستند" بدل به واژه کلیدی در مقالات، آرایه‌ها و سرمقاله‌هایی در زمینه توسعه بخش خصوصی شده است، که البته بدون وجود داده دقیقی که این ادعا را پشتیبانی کند، عنوان می‌شود (گیبسون و فارت، ۲۰۰۸). بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) نقش عمده‌ای را در اقتصاد اکثر کشورها، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، بازی می‌کنند. شرکت‌های کوچک و متوسط رسمی، به اشتغال‌زایی تا ۶۰ درصد از کل اشتغال و تا ۴۰ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP^۱) در اقتصادهای نوظهور، کمک می‌کنند بر اساس برآوردها، برای جذب نیروی کار جهانی در حال رشد، ۶۰۰ میلیون شغل در ۱۵ سال آینده مورد نیاز است که بیشتر در آسیا و کشورهای جنوب صحرای آفریقا هستند. این در حالی است که در بازارهای در حال ظهور، اکثر شغل‌های رسمی در شرکت‌های کوچک و متوسط ایجاد می‌شوند که ۴ شغل از ۵ شغل جدید را شامل می‌شوند (بل، ۲۰۱۵). چنین دلایلی، اهمیت لازم برای ارائه تعریف استاندارد و کاربردی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط را نشان می‌دهد.

۲ SMEs

SMEs مخفف عبارت Small & Medium Enterprises است و در برگیرنده همه بنگاه‌های کوچک و متوسط شامل بنگاه‌های صنعتی، خدماتی، بازرگانی و کشاورزی می‌باشد. SMEs به بنگاه‌های Small, Micro و Medium (خرد، کوچک و متوسط) تقسیم می‌شوند. این بنگاه‌ها به علت ویژگی‌های خاص خود دارای کارکردهای منحصر به فردی هستند،

^۱ Gross Domestic Product

* mahtabiranfar@gmail.com

از جمله: ۱- اشتغال‌زایی؛ ۲- توزیع ثروت در جامعه؛ ۳- توسعه مناطق حاشیه‌ای؛ ۴- تأمین تولیدات مورد نیاز کشورها؛ ۵- تربیت نیروی انسانی مورد نیاز صنایع و بنگاه‌های بزرگ و... امروزه مؤسسات کوچک و متوسط علاوه بر کارکردهای پیشین خود، کانون اصلی توسعه فناوری و تأمین نیازهای پیچیده و پیشرفته کشورها به حساب می‌آیند و حمایت‌های گسترده‌ای توسط مؤسسات دولتی و عمومی از آنها به عمل می‌آید (انجمن ملی صنایع پلیمر ایران، ۱۳۹۵).

۳ تعریف و معیارهای SMEs

ادبیات مربوط به کسب و کار واحدهای کوچک و متوسط، بسیار گسترده است. تعیین آن که چه تشکلی بنگاه کوچک و متوسط محسوب می‌شود در ادبیات مربوطه مسئله‌ای مناقشه برانگیز است. در نتیجه، هیچ تعریف منحصر و پذیرفته شده‌ی بین‌المللی در این خصوص وجود ندارد و تعاریف مختلفی توسط محققان و نهادهایی که در این رابطه کار می‌کنند، مطرح شده است. مرزهای این تعاریف بیش‌تر در رابطه با حجم فعالیت‌های اقتصادی کشور و سطح توسعه‌یافتگی آن، تغییر می‌کند. بنگاه‌های کوچک و متوسط واحدهای اقتصادی ویژه‌ای هستند که از نظر ماهیت و اندازه همگن نیستند و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، در تولید ملی، اشتغال‌زایی و جذب نیروی کار، نقش قابل توجهی دارند. هر کشور با توجه به شرایط ویژه خود تعریفی از این کسب و کارها ارائه کرده است. به‌طوری که بیشتر این تعاریف‌ها بر اساس معیارهای کمی زیر است: ۱- تعداد کارکنان بنگاه؛ ۲- مجموع دارایی‌های خالص بنگاه؛ ۳- میزان سطح فروش بنگاه (گردش مالی). تعدادی دیگر وضعیت حقوقی یک بنگاه، روش تولید، مالکیت و صنعتی که بنگاه در آن فعالیت می‌کند، را به کار می‌گیرند. رویکرد سازمان‌های بین‌المللی در تعریف SME ترکیبی از تعداد کارکنان، میزان فروش سالانه، و خالص دارایی‌ها به جز دارایی‌های غیرمنقول است (مادوکو، ۲۰۱۶). مهم‌ترین و معمول‌ترین شاخص جهت تعریف اندازه بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) تعداد کارکنان بنگاه است. اگر چه این شاخص در کشورهای مختلف دنیا به لحاظ تعداد متفاوت می‌باشد اما بیشتر کشورها بنگاه‌های کوچک و متوسط را به لحاظ تعداد شاغلین در طیف معینی از ۱ تا ۲۵۰ کارکن تعریف می‌نمایند.

۳.۱ تعریف SME بر اساس تعداد کارکنان

به نظر می‌رسد تعداد کارکنان، رایج‌ترین خصوصیتی مورد استفاده برای تعریف SME توسط دولت‌ها و سازمان‌های آماری باشد. در بسیاری از این کشورها، داده‌های مربوط به چگونگی بخش‌بندی تعداد کارکنان وجود دارد. از سوی دیگر، تعداد کارکنان مشخصه‌ای عادلانه برای ارزیابی سهم SMEها در تولید ناخالص داخلی است. اما این معیار به نادرستی حاکی از این مطلب است که هر چه یک شرکت بزرگ‌تر باشد، تعداد کارکنان بیشتری خواهد داشت و این بزرگ‌تر شدن بر مبنای تعداد بیشتری از کارکنان باید باشد. این باور اخیر، در بین هواداران توسعه SME مورد استقبال قرار نگرفته است. چرا که پژوهش‌های بین کشورها و هم‌چنین خط‌مشی کشورهای مختلفی که از تعریف تعداد کارکنان برای تعیین SME استفاده می‌کنند، ریسک دسته‌بندی کسب و کارها بر اساس عدم کارایی و ارزش آفرینی را افزایش می‌دهند. در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، قوانین کار و تأمین اجتماعی میزانی از جریمه‌ها را برای استخدام بیشتر کارکنان تمام وقت تعیین می‌کنند. مثلاً مالیات‌های مربوط به کارکنان، اغلب آن‌چنان زیاد هستند که معادل وضع مالیات بر درآمد است. این عامل باعث تشویق استخدام کارکنان پاره وقت و مشاوران یا دانشجویانی می‌شود که همان کار کارکنان تمام وقت را انجام می‌دهند در حالی که کارفرما نه مالیات کارکنان و نه مالیات تأمین اجتماعی را پرداخت نمی‌کند. تعداد این نوع از کارکنان اغلب از تعداد کارکنان تمام وقت بیشتر هستند و معمولاً در آمارهای دولتی منعکس نمی‌شوند.

۳.۲ تعریف SME بر اساس میزان دارایی

SMEها به ندرت تخمین دقیقی از ارزش دارایی‌های ثابت خود دارند و عموماً دارایی‌ها را در محیطی که مالیات بر آن وضع می‌شود، کم‌تر اظهار می‌کنند. دولت‌ها وقتی اندازه کسب و کار تعریف می‌شود، در مورد مصادیقی که به عنوان دارایی به شمار

می‌آورند، ناسازگارند. بسیاری، دارایی ثابت و املاک را به کار می‌برند در حالی که بعضی دیگر، فقط دارایی ثابت را در نظر می‌گیرند. به این صورت مقایسه بین کشورها پیچیده می‌شود. در جایی که تورم وجود دارد وقتی که اظهار چنین دارایی‌هایی عموماً مورد نیاز نیست، ارزش پول محلی برای تعیین ارزش واقعی دارایی‌ها به کار می‌رود.

۳.۳ تعریف SME بر اساس گردش مالی

آنچه که در ابتدا در بررسی بزرگی شرکت یک کارآفرین مورد توجه قرار می‌گیرد، میزان رشد در فروش و سهم بازار آن است و در مرحله بعد و مذاکرات جزئی‌تر، صحبت از ارزش خالص دارایی‌ها و میزان سود ناخالص (قبل از کسر بهره، مالیات، استهلاک و هزینه‌های مالی EBITDA^۲) به میان خواهد آمد. در نتیجه تعریف بر اساس گردش مالی به نظر می‌رسد هم معنادار و هم سنجه واقع‌گرایانه‌ای باشد.

انتخاب تعریف SME می‌تواند به عوامل بسیاری، از جمله فرهنگ کسب و کار، مقدار جمعیت کشور، صنعت و سطح یکپارچگی با اقتصاد بین‌المللی، بستگی داشته باشد. تعریف SME می‌تواند موجب برخی تفاوت‌های بسیار عجیب بین بنگاه‌ها شود. به عنوان مثال، یک شرکت تولید فرآورده‌های نفتی اگر کمتر از ۶۸ نفر را استخدام کند، می‌تواند SME در نظر گرفته شود؛ اما یک شرکت مشابه در حوزه تولید محصولات شیمیایی هنگامی SME محسوب می‌شود که تعداد کارکنان آن به ۱۰۰ نفر افزایش پیدا کند. این مسائل، آرایه یک تعریف مشترک از SME را دشوار می‌کند. شاید معنی بیشتری داشت اگر برای تعریف SME فقط از یک معیار استفاده می‌شد، به عنوان مثال، فروش سالانه، یا گردش مالی یا تعداد کارکنان، اما بسته به شرایط خاص هر کشور، این تعریف باید با آن شرایط انطباق داده شود. (گیسون و فارت، ۲۰۰۸) در مقاله خود روش کم‌نقص‌تری را برای تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشورهای در حال توسعه، آرایه داده‌اند. آن‌ها یک SME را شرکتی رسمی با گردش مالی سالانه بین ۱۰ تا ۱۰۰۰ برابر میانگین درآمد سرانه ناخالص ملی (به دلار آمریکا)، در برابری قدرت خریدی که کشور در آن سطح عمل می‌کند، تعریف کرده‌اند (گیسون و فارت، ۲۰۰۸). تعریف گیسون و فارت جالب توجه است چرا که گردش مالی سالانه، ابزار خوبی برای ارزیابی سهم SME در تولید ناخالص داخلی است که می‌تواند به عنوان یک معیار واحد، عمل کند. اما پس از تحقیقات تجربی گسترده در آمار بنگاه‌های کوچک و متوسط در بیش از ۱۲۰ اقتصاد پرجمعیت جهان، می‌توان گفت، در کشورهای در حال توسعه، به دست آوردن اطلاعات گردش مالی سالانه که توسط SMEها ایجاد می‌شود بسیار دشوار است. علاوه بر آن، تعداد بنگاه‌های کوچک و متوسط غیررسمی در بعضی از کشورهای در حال توسعه، به هشت برابر شرکت‌های رسمی می‌رسد. پس مسئله استفاده از یک الگوی واحد برای تمام شرایط، هم‌چنان در تعریف گیسون و فارت، باقی می‌ماند.

۴ ویژگی‌های کیفی SMEs

شاید تعیین SMEها بر روی کاغذ دشوار باشد، اما از نظر عملیاتی و کارکردی این بنگاه‌ها را می‌توان به راحتی تشخیص داد (استوکز و ویلسون، ۲۰۱۰). این بنگاه‌ها نه فقط از روی سهم بیشترشان نسبت به کسب و کارهای بزرگ بلکه از نظر سادگی ساختار و روش‌ها به آسانی و از طریق بررسی‌های ساده قابل تشخیص هستند. معمولاً بنگاه‌های کوچک و متوسط از سه ویژگی کیفی برخوردارند که این ویژگی‌ها به آنها ماهیتی متفاوت از صنایع بزرگ داده است (بولتون، ۱۹۷۱). این ویژگی‌ها عبارتند از: ۱- وحدت مالکیت و مدیریت؛ ۲- مالکیت فردی و خانوادگی؛ ۳- استقلال از سایر کسب و کارها.

۵ مشخصات بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران، برخی از سازمان‌های بین‌المللی و کشورها

تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران از سازمانی به سازمان دیگر فرق می‌کند. ارگان‌ها و سازمان‌های مختلف هر یک بنا به مقتضیات کاری خود به تعریف و تقسیم‌بندی بنگاه‌ها از حیث بزرگی، کوچکی و متوسطی پرداخته‌اند. بر اساس تعریف وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت جهاد کشاورزی، بنگاه‌های کوچک و متوسط، واحدهای صنعتی و خدماتی

^۲ Earnings Before Interest, Tax, Depreciation and Amortization (EBITDA)

هستند که کمتر از ۵۰ نفر کارکن دارند. در سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی، صنایع کوچک به صناعی گفته می‌شود که تعداد شاغلان آنها بین ۵ تا ۵۰ نفر باشد و صنایع بزرگ، صناعی می‌باشند که تعداد شاغلان بیش از ۵۰ نفر داشته باشند. آنچه که مرکز آمار ایران و اداره آمار بانک مرکزی به عنوان طبقه‌بندی واحدهای صنعتی در نظر می‌گیرد، بدین صورت است که واحدهای با کمتر از ۱۰ نفر کارکن، خرد، ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن، کوچک، ۵۰ تا ۹۹ نفر کارکن، متوسط و بالاتر از ۱۰۰ نفر کارکن، بزرگ نامیده می‌شوند. ضمن این که مرکز آمار ایران، تعریف استاندارد و مشخصی از بنگاه از نظر نوع طبقه‌بندی، ارائه نکرده است. تعیین اندازه بنگاه بر اساس تعداد شاغلین به عنوان یکی از استانداردهای متداول جهت طبقه‌بندی مقیاس بزرگی بنگاه تولیدی مطرح بوده که البته، بسته به کشورهای مختلف سطوح اندازه‌گیری آن متفاوت می‌باشد. به عنوان مثال در کانادا بنگاه‌های با کمتر از ۵۰۰ نفر کارکن، در گروه بنگاه‌های کوچک و متوسط طبقه‌بندی می‌شوند در حالی که در اتحادیه اروپا بنگاه‌های با اشتغال کمتر از ۲۵۰ نفر "متوسط"، کمتر از ۵۰ نفر "کوچک" و کمتر از ۱۰ نفر "خرد" نامیده می‌شوند.

اتحادیه اروپا از سه معیار برای تعریف و شناسایی SMEها استفاده می‌کند که عبارتند از تعداد کارکنان، حجم گردش مالی سالانه بنگاه و میزان دارایی و بدهی‌های آن. می‌توان تعریف اتحادیه اروپا از مؤسسات کوچک و متوسط را در جدول شماره ۱ نمایش داد. در ژاپن نیز بر اساس قانون حمایت از SMEها، این بنگاه‌ها در بخش‌های مختلف به شرح جدول شماره ۲ تعریف گردیده‌اند.

جدول شماره ۱- معیارهای اتحادیه اروپا از SMEها

طبقه‌بندی مؤسسه	تعداد کارکنان	گردش مالی (میلیون یورو)	کل ترازنامه (دارایی و بدهی) میلیون
متوسط	<۲۵۰	<۵۰	<=۴۳
کوچک	<۵۰	<=۱۰	<=۱۰
خرد	<۱۰	<=۲	<=۲

مأخذ: www.ec.europa.ed/enterprise/sme-definition

جدول شماره ۲- معیارهای کشور ژاپن از SMEها

نوع صنعت	میزان سرمایه (میلیون ین)	تعداد شاغلین (نفر)
بخش صنایع کارخانه‌ای	حداکثر ۳۰۰	حداکثر ۳۰۰
بخش عمده‌فروشی	حداکثر ۱۰۰	حداکثر ۱۰۰
بخش خرده‌فروشی	حداکثر ۵۰	حداکثر ۵۰
بخش خدمات	حداکثر ۱۰۰	حداکثر ۱۰۰

در ایالات متحده آمریکا، بنگاه‌هایی را که کمتر از ۵۰۰ نفر پرسنل داشته باشند، شرکت کوچک می‌نامند. در آلمان شرکت‌هایی را که دارای کمتر از ده نفر پرسنل باشند، کوچک و از ده تا ۴۹۹ نفر را شرکت‌های متوسط محسوب می‌کنند. میزان گردش مالی شرکتها نیز معیار دیگری برای طبقه‌بندی شرکت‌های کوچک و متوسط در آلمان به شمار می‌رود. شرکت‌هایی که گردش مالی آنها تا ۲۵ میلیون یورو در سال باشد، شرکت متوسط و شرکت‌هایی که گردش مالی آنها حدود ۲۵۰ هزار یورو باشد، شرکت کوچک به حساب می‌آیند. در قوانین کشور تایوان از چند معیار برای تعریف و شناسایی بنگاه‌های کوچک و متوسط استفاده می‌شود. این معیارها عبارتند از: میزان سرمایه تعهد شده یک بنگاه، مجموع دارایی‌ها و حجم فروش. براساس معیارهای اشاره شده، در مورد بنگاه‌های تولیدی، چنانچه میزان سرمایه ثبت شده آنها کمتر از ۴۰

میلیون دلار تایوان و مجموع دارایی هایشان کمتر از ۱۲۰ میلیون دلارتایوان باشد. بنگاه کوچک و متوسط به حساب می آیند. ملاک تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط برای بنگاه‌های غیرتولیدی حجم فروش آنها می باشد. براساس این معیار، در بنگاه‌های تجاری، حمل و نقل و خدماتی چنانچه میزان فروش کمتر از ۴۰ میلیون دلار تایوان باشد، آن بنگاه یک بنگاه کوچک و متوسط محسوب خواهد شد.

۶ نقش و اهمیت SMEs در اقتصاد کشور

بیشتر کشورها سیاست‌های اقتصادی و ملی را برای تقویت بنگاه‌های کوچک و متوسط اتخاذ می‌کنند اقتصاد ایران به نحو گسترده و قابل ملاحظه‌ای توسط مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی تعیین می‌شود که بیش از ۸۰ درصد اقتصاد کشور را کنترل می‌کند مخصوصاً فعالیت‌های مرتبط با استخراج، پالایش و تجارت نفت خام، محصولات نفتی و گاز طبیعی که حدود ۸۰ درصد درآمد صادراتی و تقریباً ۴۰ تا ۵۰ درصد بودجه دولت را تامین می‌کند. در حال حاضر در ایران، ۹۴ درصد واحدهای صنعتی، شامل صنایع کوچک است. این صنایع موجب ۴۳ درصد مشاغل صنعتی هستند (جوهری، ۲۰۱۲). اهمیت واحدهای کوچک و متوسط را می‌توان از هر دو بعد کیفی و کمی بررسی کرد. از نظر کمی درصد بسیار زیادی از شرکت‌ها در ایران و سایر کشورها، بنگاه‌های کوچک و متوسطی هستند که ارزش افزوده‌ای بین یک دوم تا یک سوم ارزش افزوده کل کشور را ایجاد می‌کنند. از نظر بعد کیفی، این بنگاه‌ها خصوصیات دارند که می‌تواند از مهاجرت به شهرها جلوگیری به عمل آورد چرا که در هر جایی که شرکت‌های بزرگ شکل می‌گیرند باعث جمع شدن نیروی کار و مهاجرت به آن محل می‌شوند در حالی که بنگاه‌های کوچک بر اساس نیازهای محلی و منطقه‌ای به وجود می‌آیند. این واحدها باعث گسترش شغل و تولید می‌شوند و در ارتباط با مردم هستند و فرهنگ تولید را ترویج و بخش خصوصی را تشویق به سرمایه‌گذاری در آن می‌کنند. با توجه به این که معمولاً چرخه عمر فناوری در این گونه بنگاه‌ها خیلی کوتاه‌تر از سایر صنایع است و نیز این مطلب که در دنیای معاصر این مشتری است که تصمیم می‌گیرد و باعث می‌شود تا یک بنگاه به عوامل چندگانه‌ای توجه داشته باشد در چنین شرایطی صنایع سنگین و بزرگ قدرت پاسخ‌گویی سریعی ندارند و فقط کسب و کارهای کوچک و محصولات غیرپیچیده هستند که می‌توانند موفق باشند و به منظر مشتری دست یابند (شفایی، ۲۰۰۲). پن روز ۳ اعتقاد دارد که در رونق اقتصادی، فرصت‌های رشد برای صنایع کوچک و متوسط بیشتر است تا ایجاد صنایع بزرگ. بر اساس این نظریه، صنایع بزرگ به علت بازگشت سرمایه (ROI^۴) طولانی، هزینه‌های زیاد تبلیغات و بازاریابی در مراحل اولیه رشد، توجه کم‌تری به این فرصت‌ها در برنامه‌ریزی‌های خود دارند و ترجیح می‌دهند تا سرمایه خود را به جای توسعه محصولات جدید، برای افزایش محصولات فعلی صرف کنند. عدم وجود این محدودیت در بنگاه‌های کوچک و متوسط و به ویژه هزینه‌های پایین‌تر سرمایه‌گذاری و استفاده سریع‌تر از فناوری جدید باعث می‌شود تا این بنگاه‌ها بیش از پیش رشد کنند. به این صورت، صنایع بزرگ مرتباً و به ناچار مجبور هستند از نوآوری‌ها و فرصت‌های جدید تولید صرف نظر کنند. نقش مهم و ارزشمند صنایع بزرگ و سنگین در تولید کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای، کاهش هزینه به علت صرفه‌جویی مقیاس، امکان تولید انبوه، برخورداری از مدیریت تقسیم شده در کارهای مختلف تولیدی، مالی و اداری، برخورداری بیشتر از فناوری و بازاریابی گسترده، را نمی‌توان انکار کرد. اما صنایع کوچک با توجه به نقش‌های زیر می‌توانند عامل تعیین کننده‌ای در توسعه صنعتی اقتصادی کشورها باشد (سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی): ۱- ایجاد فرصت‌های شغلی فراوان ۲- قدرت بالا در جذب و بومی کردن تکنولوژی ۳- برتری در صرفه جویی در مقیاس تولید ۴- قابلیت تراکم دانش بیشتر در فرآیند تولید ۵- قدرت بالا در تربیت کارآفرینان و مدیران اقتصادی ۶- کاهش عدم تعادل‌های بخشی در اقتصاد ۷- ایجاد محیط رقابتی در اقتصاد

^۳ Penn Rose

^۴ Return on Investment

و افزایش کارایی ۸- استفاده از امکانات در رسیدن به خود اتکایی اقتصادی ۹- قدرت تصمیم‌گیری سریع و انعطاف‌پذیری بالا در مدیریت ۱۰- ایجاد شبکه اقماری با صنایع بزرگ برای بهم پیوستگی بیشتر صنعتی
بحث و نتیجه‌گیری

نگاهی به تعاریف متفاوت بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران گویای این مطلب است که تعریف استاندارد و واحدی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط در سطح نهادهای متولی، وجود ندارد. از این رو نیاز به ارائه یک تعریف مشترک در سطح همه نهادهای مرتبط، امری اجتناب‌ناپذیر است و در صورت تحقق دستیابی به تعریف واحد، امکان مقایسه شاخص‌های اقتصادی ایران با سطوح استاندارد بین‌المللی و سایر کشورها فراهم شده و امکان همسوسازی سیاست‌های اقتصادی نهادهای متولی کشور در امر دستیابی به اهداف توسعه صنعتی و اقتصادی فراهم خواهد شد. به نظر می‌رسد، مرکز آمار ایران به عنوان نهاد رسمی مسئول ارائه و انتشار آمارهای رسمی و تعاریف استاندارد در کشور می‌تواند متولی مناسبی باشد.

مراجع

- انجمن ملی صنایع پلیمر ایران. (۱۳۹۵)، بنگاه‌های متوسط و کوچک کدام‌اند؟.
- Gibson, T.; H. J. van der Vaart (۲۰۰۸). *Defining SMEs: a less imperfect way of defining small and medium enterprises in developing countries*, *Brooking global economy and development*.
- Bell, Simon (۲۰۱۵). *Small and medium enterprises (SMEs) finance*. Available in: <http://www.worldbank.org/en/topic/financialsector/brief/smes-finance>
- Maduku, Daniel K., Mercy Mpinganjira and Helen Duh (۲۰۱۶), *Understanding mobile marketing adoption intention by South African SMEs: a multi-perspective framework*, *International journal of information management* ۳۶, ۷۱۱-۷۲۳.
- Stokes, D.; Wilson, N. (۲۰۱۰). *Small business management and entrepreneurship*, London: Cengage Learning EMEA.
- Bolton, J.E. (۱۹۷۱). *Small Firms. Report of the Committee of Inquiry on Small Firms*. London: Her Majesty's Stationery Office.
- Johari, Hadi (۲۰۱۲), *The Role of small and medium enterprises (SME) in the country's economic development*, *Journal of basic and applied scientific research*, ۲(۱۰) ۱۰۲۷۹-۱۰۲۸۷.
- Shafiee, Reza (۲۰۰۲). *Opportunities and threats facing small industries*, *Seminar for small and medium industries and its place in the cultural development*, *Technology center of Sharif university of technology*.